



سوره فرقان

آیه ۲۲

نشانه‌های بندگان شایسته خدا

# سپرده گرامی

۲۲... اِذَا عَزَا رَبُّكَ عِزًّا  
" هنگامی که ما سخن لغو ما با کار

سپرده روپرو شدند ، بزرگوارند می گذرند و خود را آلوده نمی نمایند .

افراد بشر ، با سرمایه های گوناگون و مختلفی آفریده شده اند که می توانند وسیله آنها در این جهان تجارت نمایند . گروهی تمام سرمایه های مادی و معنوی خود را در مسیر تحصیل مقام و منصب مال و ثروت قرار می دهند و هدایی جز این کالای رود گذر و فنا پذیر ندارند .

از نظر منطق قرآن چنین از رنگانی جز خسارت چیزی نمی بیند و نتیجه ای نمی آورد زیرا این شخص در برابر از دست مکتب اسلام

دادن سرمایه های طبیعی و خدادادی ، کالایی را خریده است که ثبات و دوام و پس از مرگ و انتقال به برای دیگر گرفته حیات در آنجا ادامه دارد ، از آن بهره ای نخواهد برد .

قرآن در سوره " عصر " به خسارت و ورشکستگی انسان در جهان با اتلاف بویابی و سرمایه های بزرگ الهی اشاره کرده است :  
" ان الانسان لکفر خسر " بشر دیرباز و خسارت است .

و ملاحظه کنید که از استعداد های سرشار و بویابی الهی بهره ای جز لذت چند روزه نمی برد . و برای زندگی در جهان دیگر نوشته ای را فراموشی کند

و کاشی او را به این عنوان معرفی می کند: قل هل نشتکم بالاخرین اصلا الذین عمل عبیم فی الحیاة الدنیا و هم یحسبون انهم یحسون عمدا ، " آیا شمارا به زیانکارترین افراد از نظر کار و کوشش آگاه داریم ؟ آنان کسانی هستند که کار و کوشش آنها در این جهان بی نتیجه گردیده و تلف شده است . و آنان بصورتی گنجه که کاربیک و تجارت بر سودی انجام می دهند -

هر عمل که بزرگی در برای دیگر داشته باشد ، عملی است خوب و نیکو ولی هر عملی که فائد هربوع نازده اخروی باشد . قرآن مجید به لغت " مال عبیم " تعبیر آورده است .

استماع سخنان لیب و سپرده و یا اعمال ، کارهای لغو ، از جمله اعطالی است که هرگز بهره ای ندارد و هر اتلاف سرمایه گرانهای عمر ، نتیجه دیگری عائد انسان نمی گرداند .

امروز بشر در فضای روح خود خلاء و خستگانی را احساس می کند خلائی که هیچ نمی بخشد و انسان برقی خود و به روح او نبات و سکون گرانهای عمر ، نتیجه دیگری عائد انسان نمی گرداند . این خلاء از طریق حیوانات و توحه به خدا و تعالیم الهی برمی خیزد از دو رکعت نماز ، از

۱- سوره کاف آیه ۱۰۴

احیای شب ، از کفک به سیواهای آن چنان کامیاب می گردید که دیگر وقتی برای کارهای لغو و سپرده نداشت و پیوسته می کوشید در خود روح اطاعت از خدا ، و برهمین ار گناه و خدمت به استماع با فریبند ، از همه این کارها لذت محسی می برد اما امروز بر اثر دوری از بصیوت و تعالیم پیامبران ، برای گذراندن وقت به داستان های دروغین و سر گذشت های بی اساس ، که رانیده خیال نویسندگان حرفه ای است پناه می برسد ، و سرمایه عمر را در موردی نگار می برد که اصلا بارده ندارد بگذریم از برخی از بازی ها که دشمن جان انسان است و روح سعیت و درندگی و شهوات را در انسان ها زنده می کند .

روح ستیوگی و درندگی در جامعه انسانی به شدت نفوذ کرده است ، آنجا که دستگاه های محابزانی و اقطار مصنوعی جهان دست به دست هم داده اند تا رد و خورد دو انسانی را که با بوکس به جان هم افتاده اند و آهنگ نابود کردن یکدیگر را دارند . در صفحه تلویزیون نشان دهند عاشاگران سر از شکست دماغ و بیخاشی و چانه و دندان طرف ، لذت ببرند و در این راه مبلغی را خرج کنند ، براسستی بزرگترین ضرر صرف سرمایه گرانهای عمر در این مراحل از زندگی است چه نیکو سروده است

دامن کشان به مقصد پیروی روانه ام هر دم خدنگ تیر یلار انشانه ام

شماره ۱۱ سال ۱۷

جای سی سوس که در وادی گشاه  
 در خواب عقلتم و پستان چرانه ام  
 طفل و حیل گوشت دلا نگاروان عمر  
 تا همیجان فکر خور و خواب و خانه ام  
 امروز زنده ام در این جمع لا اصرم  
 فردا به پیش بیرون جوان چون پسانه ام  
 جدی قبل یک هندی در چند کشور است  
 بمطایبی رد و خواست شش شانده روز تمام  
 روی خود چرخه قرار گیرد و آرا براند بدون اینکه  
 بخواند و با استراحت کند در همان موقع  
 پزشکان ایران اعلام خطر کردند که این جوان  
 در هر مسافتی که می دهد - قسمی از مسر  
 خود را از دست می دهد، و در هر سابقه ای  
 قسمی از عمر خود را می گاهد ولی به معنوم  
 گنار معروف " آنچه آینه به حاشی برسد  
 فرماد است اندر زهای پزشکان حاشی برسد  
 و او سر گوش به سخنان حکیمانه پزشک خود  
 نداد چیزی نگذشت که سرانجام در یکی از  
 استادانوم های لندن در حالی که مشغول تکلیف  
 بود از بالای نوجرخه نفس بر زمین گرفتند و  
 در گذشت.

در این آیه، اعراف قرآنی و لغوی و آیه  
 های مردان خدا معرفی شده است از اهل بیت علیهم السلام  
 بدانیم لغو چیست؟

" لغو" در لغت، صدای گنجشک  
 و مرقان هوازا می گویند که بدون مکسر و  
 آندیشه بر میخیزد و به همین سبب است بهر  
 سخنی که به منطبق و آندیشه منکی نبوده و از  
 مکتب اسلام

هر نوع فائده ای دور باشد، و سپیده شمرده  
 شود، لغو می گویند.

بنابر این قصه و افسانه های نیرومین  
 که هیچ نوع آموزندگی ندارند، و با سخنان  
 فسخ و رشت که حاکی از ذنابت و پستی است  
 " لغو" شمرده می شود.

قرآن مجید روی اعراف از لغویطور  
 روشن کنیه کرده و می درماید:

والذی هم عن اللغو معرضون<sup>۱</sup>  
 کسانی که از کار و سخن لغو اعراف می نمایند  
 و در جای دیگر می فرماید " و اذا سمعوا  
 اللغو اعرضوا عنه"<sup>۲</sup> هنگامی که کلام لغو  
 بشنوند از آن اعراف می کنند

خداوند زندگی بهشتیان را چنین  
 توصیف می کند که الا یسمعون فیها لقوا ولا  
 کلام<sup>۳</sup> در اینجا سخن لغو و دروغ  
 می گویند

اینک برای تکمیل مطالب به سخنان  
 اوستادان که بر این موضوع بحث تاوار داشته  
 است اشاره می کنیم:

۱- پیامبر گرامی وارد مسجد شدند  
 گروهی دور تک نفر حلقه زدند پیامبر فرمود:  
 های مردان خدا معرفی شده است از اهل بیت علیهم السلام  
 بدانیم لغو چیست؟  
 از لفظ علاقه در این مورد چیست؟ گفتند:

بقیه در صفحه ۹۶

- ۲- سوره بوسن آیه ۳
- ۳- سوره بیهن آیه ۵۵
- ۴- سوره نسا آیه ۳۵

### بقیة: پیروده تباری

این مرد به اسباب عرب و افسانه‌های دوران  
 جاهلیت احاطه کامل دارد. پیامبر فرمود: هرگاه گوینده از خدا سخن بگوید در این موقع  
 داک علم لا یغترُّ من حیلة ولا یطیع من یأمره: خدا را پرستش کرده است و اگر از شیطان سخن  
 این علمی است که ندانستن آن ضروری را بگوید او را پرستیده است.<sup>۶</sup>  
 متوجه انسان نمی‌شود و آگاهی از آن مفید  
 سواد مند نمی‌باشد.<sup>۵</sup>  
 ۲- مردی از حضرت صادق (ع) پرسید گوینده آن را می‌پرستد.  
 ۳- ساهراین گوش فرادادن به سخنان  
 پیروده به اندازه‌های خطرناک است، که تو کوشی

۵- اصول کافی ج ۱ ص ۳۲  
 ۶- من اصغری الی یاطق فقد عبده فان نطق عن الله فقد عبد الله و ان نطق  
 عن الناس فقد عبد ابلیس سفینة البحار ج ۲ ماده عبید ص ۱۲۵ این  
 حدیث را محدثان اصطلاحی از سنن و شیعه نقل کرده‌اند

### مقاله « خود را بیازمائید »، اصلاح کنید

پس از انتشار شماره ۴ مجله جمعنی از خوانندگان در مورد مقاله " خود را  
 بیازمائید " از ما توضیح خواستند. لطفاً مقاله مربوط را در صفحه ۴۱ بطریق زیر  
 اصلاح کنید  
 در صورتی که جمع نمرات شما ۴۱ باشد خواندگان شما، پروردگار را شکر  
 کنید و اگر جمع نمرات بیشتر از ۳۰ باشد خوشوقت باشید و هرگاه جمع نمرات شما کمتر  
 از ۲۰ باشد، متأسفانه شما زبانکار هستید و بکوشید و خود را اصلاح کنید